

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

وَالزُّرْعَاتِ غُرُقًا^۱ وَالشَّيْطَانِ نَشُطًا^۲ وَالسَّيِّئَاتِ سَبًّا^۳

و نزع کنندگان غرقاً^۱ * و نشاط دهندگان با نشاط * و شنا کنندگان با شنا *

(۱) الله حیات داد زمین را بعد موت آن (۲) باز بآن نظم و نسق بخشید (۳) براساس آن میچرخد (۴) سبقت آنرا در زمان تعیین فرمود

(۵) و همه به اراده او بکمال میرسد. نزع معانی زیاد دارد. استخراج معادن تیل گاز نیرو ذره وی و غیره برای استفاده بشر است.

فَالسَّبِقَاتِ سَبْقًا^٤ فَالْبُدْبُرَاتِ أَمْرًا^٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ^٦

کنندسبقت کنندگان سبقت * باشند مدبرین امر. * یومیکه بلرزد لرزنده *

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ^٧ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ^٨ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ^٩

کند تعقیبش در ردیف. * قلبها آنروز بتکان * چشمهای آنها افکنده *

يَقُولُونَ أَيْنَ الْمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ^{١٠} أَرَأَيْتُمْ كَيْفَ تَعْبَأُونَ

میگویند آیا ما بر میگردیم از حفره ها * وقتی بودیم استخوانهای

نَخْرَةً ۱۱ ط قَالَ وَاتِيكَ إِذَا كَرَّتْ خَاسِرَةً ۱۲ م فَاثْبَاهِي زَجْرَةً وَاحِدَةً ۱۳ ل

پوسیده. * گویند اینست حالا کرت خساره. * فقط آن باشد نعره یکتا *

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۱۴ ط هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۱۵ م إِذْ نَادَاهُ

آنگاه هستند بمیدان. * آیا رسیده بتو حدیث موسی * که ندا کرد اورا

رَبِّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۱۶ ج إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۱۷ ط

رب او بوادی مقدس طوی * برو نزد فرعون که او کرده طغیان *

فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكِيَ^{١٨} لَآءِ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ^{١٩}

بگو آیا خواهی که شوی پاک * و کنم هدایتت سوی ربت و بترس *

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ^{٢٠} فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ^{٢١} ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ^{٢٢}

و ارائه کرد بوی معجزه کبرا * مگر تکذیب و عصیان کرد * گشتانند پشت و کرد سعی *

فَحْشَرَ فَنَادَىٰ^{٢٣} فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ^{٢٤} فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ

و حشر کرد و ندا * و گفت منم رب شما بس اعلیٰ * کرد اخذ اورا الله تمثالی

الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ ۙ ۞۲۶

آخرت و اولیٰ. * یقیناً در اینست عبرتی به آنکه میترسد. * آیا شمائید

أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ ۗ بَنَاهَا ۙ رَفَعَ سُبُكَهَا فَسَوَّاهَا ۗ ۞۲۸

اشد به خلقت یا سماء. بنا کرد آنرا * بلند کرد سقف آنرا و سواء کرد آنرا * و

أَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۗ ۞۲۹ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا ۗ ۞۳۰

تاریک کرد لیل آنرا و اخراج کرد روشنی روزش را * و زمین را بعد آن هموار کرد. *

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعُهَا^{٣١} وَالْجِبَالَ أَرْسُهَا^{٣٢} مَتَاعًا لَكُمْ

اخراج کرد از آن آب آنرا و علف زار آنرا * و کوه هارا بنیان گذاشت * متاع شما

وَلِأَنْعَامِكُمْ^{٣٣} فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ^١ الْكُبْرَى^{٣٤} يَوْمَ يَتَذَكَّرُ

و چهار پایان شما. * وقتی بیاید الطامة^١ الکبرا^١ * روزیکه شود متذکر

الْإِنْسَانُ مَا سَعَى^{٣٥} وَبُرْزَتِ الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرَى^{٣٦} فَأَمَّا مَنْ طَغَى^{٣٧}

انسان چه سعی کرد * و بروز کند جحیم بر آنکه بنگرد * اما آنکه طغیان کرد *

(١) الطامة الکبرا: آن هنگامه کبیر، آن طوفان کبیر، آن سیلاب کبیر، آن اضمحلال کبیر

وَإِثْرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^{۳۸} فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْبَاوِي^ط ۳۹ وَأَمَّا مَنْ

وآثره^۱ کرد بحیات دنیا * یقین جحیم باشد مأوا او. * و اما آنکه

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى^{۴۰} فَإِنَّ الْجَنَّةَ

خوف داشت از مقام ربش و نهی کرد نفس را از هوا * یقین جنت

هِيَ الْبَاوِي^ط ۴۱ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسُهَا^ط ۴۲ فِيمَ أَنْتَ

باشد مأوا او * میکنند سوال ترا از ساعت، کی میشود برپا؟ * چیست ترا

(۱) آثره کردن: سپردن، پناه بردن.

مِنْ ذِكْرِهَا^ط ٤٣ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا^ط ٤٤ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا^ط ٤٥

از ذکر آن * نزد رب توست منتهای آن * یقیناً توئی منذر هر که دارد ترس *

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُتُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا^ع ٤٦

مثلکه آنها، روزیکه ببینند آنرا، نکردند درنگ الا شبی یا فردای آن *